

تحلیل عدم تعادل فضایی توسعه در استان سیستان و بلوچستان (با استفاده از مدل اسکالوگرام)

احمد خادم الحسینی

عضو هیئت علمی گروه جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

حسین حاتمی

کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی دانشگاه شهید باهنر کرمان

مجتبی حاتمی

کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری

تاریخ پذیرش ۱۳۸۹/۳/۹

تاریخ دریافت ۱۳۸۹/۲/۵

چکیده

تمرکز شدید و عدم تعادل فضایی از جمله ویژگی‌های کشورهای جهان سوم است که این ویژگی معلول نتایج سیاست‌های رشد قطبی به شمار می‌آید. در نتیجه این سیاست‌ها، تعداد محدودی از مناطق نقش کلیدی داشته و سایر مناطق به صورت حاشیه‌ای عمل می‌نمایند. عدم تعادل میان مراکز روستائی و شهری در زمینه‌های مختلف اجتماعی-اقتصادی، موجب برهم خوردن نظم فضایی سکونتگاه‌ها از یک سوی و رشد شتابان و بی رویه بعضی از شهرهای درجه اول گردیده‌است. نمونه آن، نامتعادل بودن ساختار فضایی استان سیستان و بلوچستان می‌باشد. ضمن محروم بودن کل استان، قطبی شدن جمعیت آن در ناحیه زاهدان و تمرکز انواع فعالیت‌های اقتصادی، خدماتی در شهر، باعث بهم خوردن سلسله مراتب منطقی و منظم در مرتبه و اندازه سکونتگاه‌ها گردیده‌است. این پژوهش با این فرضیه مورد بررسی قرار گرفته که: شیوه برنامه‌ریزی قطبی و نوع سیاست‌گذاری‌ها باعث نابرابری و عدم تعادل فضائی توسعه در استان سیستان و بلوچستان گردیده‌است. این تحقیق با استفاده از روش اسنادی و آماری و کاربرد مدل اسکالوگرام به تحلیل موضوع پرداخته شده و به ارائه الگو و راهکارهایی برای کاهش نابرابری و بازتاب های عدم تعادل در منطقه منجر شده است.

واژگان کلیدی: سیاست رشد قطبی، برنامه‌ریزی فضائی، مدل اسکالوگرام، استان سیستان و بلوچستان.

مقدمه

جمعیت شهرها (اندازه شهرها)، به طور گسترده بین سکونتگاه‌های گوناگون با اندازه‌ها و الگوهای متفاوتی در مناطق مختلف توزیع شده‌اند (Clark, 2000: 21). این الگوهای کاملاً متفاوت، بیشتر روشن‌گر مناطقی است که رشد شهرها در آن بطور بی‌برنامه و با سیاست‌های نابرابر اتفاق می‌افتد. طی این روند معمولاً بزرگترین شهرها، سریع‌ترین نرخ‌های رشد را پیدا می‌کنند که این امر موجب بروز و ظهور تسلط جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یک یا چند شهر بر شهرهای دیگر در داخل نظام شهری یک کشور یا منطقه می‌گردد (اسمیت، ۱۳۷۷). روند تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در دهه‌های اخیر و گوناگونی بستر جغرافیایی به شکل‌گیری نوعی خاص از نظام فضایی استقرارگاه‌های انسانی منجر شده است (مومنی، ۱۳۸۸).

تمرکز نامعقول و نامتناسب جمعیت در عرصه‌های زیستی، توسعه اقتصادی - اجتماعی نابرابر نواحی جغرافیایی را در پی خواهد داشت. موضوعی که بازتاب آنرا در چشم انداز جغرافیایی شهرها و رشد ناهمگون آنها نیز می‌توان یافت (فرید، ۱۳۷۵). به طور کلی عدم تعادل در هر ناحیه جغرافیایی ناشی از دو دسته عوامل، یکی درون ناحیه‌ای و دیگری برون ناحیه‌ای می‌باشد (مومنی، ۱۳۷۷). عوامل درون ناحیه‌ای مانند شرایط طبیعی و جغرافیایی حاکم بر ناحیه مانند آب، خاک، اقلیم و ژئومورفولوژی، که هر جا این شرایط مناسب باشد چنین ناحیه‌ای برتری محسوس خواهد داشت (سرور، ۱۳۸۴).

عوامل برون ناحیه‌ای نیز در پیشرفت یا عدم پیشرفت نواحی تاثیر بسزائی خواهند داشت، این عوامل ناشی از سیاست‌گذاریها و نوع استراتژی انتخابی جهت توسعه می‌باشد (شکوئی، ۱۳۶۵). استراتژی رشد قطبی، باعث شده که تمرکز تصمیم‌گیریها در کلان شهرها و شهرهای بزرگ، تمامی ابزارهای مادی، فکری، رشد و توسعه، در این گونه شهرها جمع شوند. در نتیجه تمرکز سرمایه در شهرهای بزرگ، رشد روابط سرمایه‌داری پیرامونی و کمبود زیرساختها در نواحی را بدنبال داشته است (اعتماد، ۱۳۶۳).

فرآیند چنین روندی شبکه شهری را در عملکرد خود نامتعادل ساخته و در نتیجه به زیان شهرهای کوچک و متوسط تمام شده است. برای ایجاد تعادل و به منظور شکل‌دادن فضاهای مناسب و همگون، بحث برنامه‌ریزی منطقه‌ای مطرح شده و اولین گام در برنامه‌ریزی منطقه‌ای شناخت نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی نواحی مختلف می‌باشد. توسعه یکپارچه و متوازن ناحیه‌ای، کاهش نابرابری‌های ناحیه‌ای در سطح کلان، پیوند منطقی مابین برنامه‌های ملی و محلی و آسیب شناسی ناحیه‌ای و برنامه‌ریزی برای روند توسعه فراگیر ناحیه‌ای از وظایف برنامه‌ریز ناحیه‌ای است (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۴). لذا در این خصوص لازم است در یک منطقه کوششها و مطالعات اساسی، به منظور شناخت نارسائیها و کمبودها در شهرستان‌های مختلف آن صورت گیرد و تلاشهایی جدی در جهت رفع

نابسامانی‌ها انجام شود. لذا تحقیقات زیربنایی در مورد شناخت این مسائل در قالب مدل‌هایی که معرف روابط نظام دهنده هستند، ممکن می‌گردد. این مدل‌ها با توجه به تجربه‌ها و فرضیه‌های آکادمیک ساخته می‌شوند، یا در برخورد با تجربه‌های تکراری از مسائل عینی شکل می‌گیرند. یکی از روش‌های مهم در برنامه‌ریزی استفاده از روش‌های طبقه‌بندی یا آنالیز اسکالوگرام^۱ می‌باشد که مطالعات کمی را امکان‌پذیر می‌نماید. استان سیستان و بلوچستان همواره در شمار جزو استانهای توسعه‌نیافته در ایران بوده‌است. بررسی بخشهای اقتصادی استان سیستان و بلوچستان از اولین سرشماری (۱۳۳۵) تا آخرین سرشماری (۱۳۸۵)، نشان از عقب ماندگی‌های ویژه‌ای دارد، که ضرورت پرداختن به مباحث توسعه، خصوصا توسعه منطقه‌ای را دوچندان می‌کند (مومنی، ۱۳۸۸).

پیشینه تحقیق

مارک جفرسون جغرافی‌دان آلمانی در سال ۱۹۳۹ در مقاله‌ای تخصصی برای اولین بار ایده «نخست شهر» را مطرح کرد. وی برای توضیح پدیده شهرهای بسیار بزرگی که بخش عمده‌ای از جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی کشورها در آنها متمرکز شده‌است و غالباً پایتخت این کشورها بوده‌اند، این گونه شهرها را نخست شهر و پدیده را نخست شهری نامید. او مدعی شد که اغلب کشورهای در حال توسعه و برخی از کشورهای توسعه یافته دارای نظام‌های نخست شهری هستند (زبردست، ۱۳۸۶).

طبق تعریف سازمان ملل، ویژگی نخست شهری، تمرکز بالای جمعیت شهری کشورها در یک شهر یا مجموعه شهری است (United Nations، ۲۰۰۴). همزمان با افزایش درآمد و تولید در جهان، تقاضا برای خدمات شهری نیز افزایش یافت که به دنبال آن شهرک‌ها و شهرها هم از نظر تعداد و هم از نظر اندازه جمعیتی رشد یافتند. چنین افزایشی در اندازه و تعداد شهرها، در طی دوره شهرنشینی سریع یعنی از اوایل قرن نوزدهم در کشورهای توسعه یافته و از اواسط قرن بیستم در کشورهای در حال توسعه به وقوع پیوسته اما افزایش ثروت عمومی به همان میزان نبوده‌است. نتیجه این امر ایجاد نابرابری در توزیع جمعیت، خدمات و امکانات، در نظام شهری کشورها در دو قرن گذشته‌است (Pumain، ۲۰۰۳).

ویلیام کلاین^۲ در بررسی اقتصادی خود از مطالعاتی که در مورد این مسأله به عمل آورده‌است چیزی را قبول می‌کند که خود آن را «معتدل‌ترین نظر» می‌نامد و آن عبارت است از اینکه در دوران توسعه اقتصادی، نابرابری درآمدی احتمالا بعد از مرحله‌ی بسیار ابتدایی اقتصاد معیشتی افزایش می‌یابد، یعنی زمانی که برای برخی از گروه‌های جامعه مازادی به وجود می‌آید که به خود اختصاص می‌دهند. به نظر وی این ادعا منطقی‌تر به نظر می‌رسد که سیاست‌های خاص در ترکیب با ساختار اجتماعی به ارث رسیده،

^۱ - Scalogram

^۲ - William Cline

درآمد را در برخی از کشورهای کم توسعه یافته بشدت نابرابر می سازند در حالی که نوع دیگر سیاست و ساختار آن در کشورهای دیگر متوازن تر می نمایند، نسبت به این ادعا که اساس نظری غیر قابل تردیدی جهت توجیه بدتر شدن توزیع درآمد در جریان توسعه اقتصادی وجود ندارد. با این حال هیچ یک از نویسندگان یاد شده ادعا نمی کنند که طی دوران توسعه اقتصادی نابرابری لزوماً افزایش می یابد، بنابراین این حقیقت وجود دارد که تقریباً تمامی مطالعات در حالی که از زوایای متفاوت با مسأله برخورد می کنند و اطلاعات متفاوتی را مورد استفاده قرار می دهند، اما با وجود این منحنی کوزنتس را محرز دانسته و برآند که مشاهدات تجربی هنوز نیاز به توضیح دارند (خدادادکاشی، ۱۳۷۹).

در ایران نیز رخشانی نسب و بیک محمدی (۱۳۸۷) به بررسی عدم تعادل و نابرابری در نظام سلسله مراتب شهری استان سیستان و بلوچستان پرداخته اند. نتایج نشان می دهد سلسله مراتب شهری استان سیستان و بلوچستان بسیار نامتعادل و از نوع نخست شهری است. علاوه بر این، طی سال های اخیر (۱۳۶۵-۸۵) عدم تعادل و ناموزونی در سلسله مراتب شهری استان بیش تر بوده است. همچنین اختلاف بسیار زیاد شهرهای استان با نخست شهر منطقه و افزایش شهرهای کوچک از دهه ۱۳۶۵-۷۵ موجب عدم تعادل و فاصله نسبتاً زیاد شهرها از حد تعادل شده است. در صورت عدم توجه به شهرهای کوچک سلسله مراتب شهری استان به حالت بحرانی سوق پیدا خواهد کرد.

توجه به شهرهای کوچک و متوسط و گسیل سرمایه ها، امکانات و خدمات به سمت این شهرها، در بلندمدت می تواند موجب کاهش عدم تعادل منطقه ای شده و سلسله مراتب شهری استان را به سمت «تعادل» هدایت نماید. حسن افراخته (۱۳۸۳) به ارزیابی نقش شهرها در توسعه ناحیه ای استان سیستان و بلوچستان پرداخته است. در سال ۱۳۶۵ تعداد شانزده مرکز شهری در استان وجود داشت.

در سال ۱۳۷۹ تعداد مراکز شهری به سی شهر افزایش یافت. ایجاد مراکز شهری و نقش آنها در توسعه ناحیه ای اغلب موضوع پرسش های متعددی بوده است. به منظور درک مسئله فوق، این مقاله نقش شهرها را در توسعه ناحیه ای با تکیه بر دیدگاه های مختلف در استان بررسی کرده و نتیجه می گیرد که به رغم نارسایی های ساختاری، شهرهای استان نقش مهمی در سازماندهی و تشویق توسعه ناحیه ای به عهده داشته اند؛ بنابراین حمایت از کارکردهای آنها از ضروریات توسعه ناحیه ای می باشد.

کریم کشته و زمانیان (۱۳۸۳) شاخص های توسعه انسانی در استان سیستان و بلوچستان (۱۳۷۹-۱۳۶۸) را بررسی کرده است. نتایج حاصل از بررسی ها نشان می دهد که طی سال های مورد بررسی شاخص توسعه انسانی استان سیستان و بلوچستان بهبود یافته و از رقم ۰/۳۳۶ در سال ۱۳۶۸ به ۰/۵۶۹ در سال ۱۳۷۹ بالغ گشته است که این افزایش را مدیون افزایش امید به زندگی، شاخص نرخ با سواد بزرگسالان و بهبود در نرخ ثبت نام ناخالص در کلیه مقاطع آموزشی استانی می باشد. طی همین دوره

شاخص توسعه انسانی بر حسب جنسیت نیز از ۰/۲۹۶ به ۰/۴۵۱ افزایش یافته است که در اثر بهبود وضعیت آموزش زنان بوده است؛ همچنین شاخص فقر انسانی از ۴۹/۶۳ درصد به ۳۲/۶۶ درصد کاهش یافته است (کاظمی وزمانیان، ۱۳۸۴). تحلیلی از وضعیت توزیع درآمد در مناطق شهری استان سیستان و بلوچستان طی سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۰ ارائه داده است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد ضریب نابرابری با روش تفکیک پذیر طی دوره مورد مطالعه در مناطق شهری استان به تدریج از ۰/۳۵ در سال ۱۳۷۶ به ۰/۴۴ در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته است. همچنین با مقایسه ضریب جینی بین دهک اول و دهک دهم خانوارهای شهری مشخص شد که طی این دوره نابرابری بین گروه‌های پردرآمد (دهک دهم) بیشتر از خانوارهای کم‌درآمد (دهک اول) بوده است. به طوری که مقدار این ضریب برای دهک اول، از ۰/۱۷ در سال ۱۳۷۶ به ۰/۱۲ در سال ۱۳۸۰ کاهش یافته در حالی که ضریب فوق طی این دوره برای دهک دهم از ۰/۵ به ۰/۲۶ افزایش پیدا کرده است. از طرف دیگر مقایسه ضریب جینی بین فقرا نشان داده است که نابرابری بین فقرا به طور متوسط بیشتر از نابرابری بین خانوارهای دهک اول است و در مجموع در جامعه مورد مطالعه، فقرا محدود به دهک اول نمی‌باشد.

روش پژوهش

با توجه به مولفه‌های مورد بررسی، رویکرد حاکم بر پژوهش کمی-تحلیلی است. جامعه آماری شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان، بر اساس تقسیمات سیاسی-اداری ۱۳۸۸ و شاخص‌های مورد بررسی، ۳۴ شاخص انتخابی است. اطلاعات مورد نیاز از سالنامه آماری ۱۳۸۸، جمع‌آوری شده است. پردازش داده‌ها نیز با استفاده از نرم‌افزار Spss انجام گرفته است. سپس با محاسبه میانگین، انحراف معیار و تجزیه و تحلیل متغیرها، وضعیت توسعه در شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان، مشخص می‌گردد. همچنین برای تعیین سطوح توسعه و میزان برخورداری از امکانات و تسهیلات عمومی و تبیین میزان تفاوت‌های شهرستان‌های استان از مدل اسکالوگرام استفاده شده است. جامعه آماری در انجام این مطالعه کلیه شهرستان‌های استان می‌باشد که مستند به آمار و اطلاعات مندرج در سالنامه‌های آماری و نیز آمارنامه‌ی استان و نتایج سرشماری‌ها و گزارش‌های اقتصادی و اجتماعی ادارات و سازمان‌ها فرایند تحقیق دنبال شده است.

ویژگی‌های منطقه

استان سیستان و بلوچستان در جنوب شرق ایران قرار دارد. این ناحیه پائین‌ترین سطح توسعه را بین استان‌های کشور چه قبل از انقلاب اسلامی و یا بعد از آن دارا بوده است (افراخته، ۱۳۸۳). استان سیستان

و بلوچستان با وسعتی حدود ۱۸۵/۵۰۰ کیلومتر مربع، ۱۱/۴ درصد از مساحت کل کشور، ۲/۸۷ درصد جمعیت کشور را در خود جای داده و بنابراین یکی از کم تراکم ترین استان های کشور محسوب می شود و پهناورترین استان کشور می باشد. در این استان تا سال ۱۳۵۵ هشت مرکز شهری وجود داشته است و در سال ۱۳۸۵ تعداد شهرهای استان به سی شهر افزایش یافت. بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ جمعیت استان بالغ بر ۲۴۶۷۳۲۸ نفر بوده است. جمعیت شهری استان سیستان و بلوچستان در دو دهه اخیر به دلایلی از قبیل مهاجرت های روستایی- شهری و تبدیل برخی از روستاها به مراکز شهری دچار تغییر و تحولات شدیدی شده است. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری این استان دارای ۱۴ شهرستان، ۳۶ مرکز شهری، ۴۰ بخش، ۱۰۲ دهستان و ۸۱۶۷ آبادی دارای سکنه است. استان سیستان و بلوچستان بین ۲۵ درجه و ۳ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۲۹ دقیقه عرض شمالی و ۵۸ درجه ۴۹ دقیقه تا ۶۳ درجه و ۲۰ دقیقه طول شرقی واقع شده است و از شمال به استان خراسان جنوبی، از جنوب به دریای عمان، از شرق به کشورهای افغانستان و پاکستان و از غرب به استان های کرمان و هرمزگان محدود شده است (سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان ۱۳۸۸).

تعادل فضائی استان سیستان و بلوچستان - مدل اسکالوگرام

اسکالوگرام یک مدل طبقه بندی است که به طور موفقیت آمیزی در برخی کشورها، بویژه در تایلند، سریلانکا، هندوستان و اندونزی به منظور تعیین سلسله مراتب سکونتگاهی و سنجش میزان سطح برخورداری نقاط شهری و روستایی مورد استفاده قرار می گیرد (کلانتری، ۱۳۸۸). در این مدل لازم است نخست یک سری متغیرها را انتخاب نمود، متغیرهایی که نشان دهنده توسعه و پیشرفت ناحیه محسوب می شوند. به همین منظور شاخصهای توسعه مربوط به شهرستان های استان سیستان و بلوچستان با ۳۴ متغیر که جنبه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن را در بر می گیرند به شرح جدول شماره (۱) انتخاب شده اند.

جدول شماره ۱: متغیرهای انتخابی، میانگین و انحراف معیار داده‌ها در شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان ۱۳۸۸

| شماره | شهرستان | نیکشهر | کنارک | سرباز | سراوان | زهک | زاهدان | زابل | خاش | چابهار | ایرانشهر | میانگین | انحراف معیار | انحراف معیار 1 (معیار 4) |
|-------|--|--------|-------|-------|--------|-------|--------|-------|-------|--------|----------|---------|--------------|--------------------------|
| ۱ | درصد پاسوادی | ۶۱/۲۷ | ۵۹/۳۰ | ۵۸/۳۷ | ۶۶/۶۳ | ۶۵/۸۲ | ۷۴/۵۴ | ۷۰/۷۶ | ۶۹/۴۵ | ۵۸/۰۲ | ۶۹/۸۸ | ۶۵/۴۰ | ۵/۸۶ | ۱/۴۶ |
| ۲ | درصد شاغلین صنعت به کل جمعیت شهرستان | ۰ | ۰ | ۰ | ۵/۵۰ | ۰ | ۴۴/۵۵ | ۱۹/۳۳ | ۸/۱۰ | ۲/۶۱ | ۱۹/۹۰ | ۱۰ | ۱۴/۳۷ | ۳/۵۹ |
| ۳ | تعداد کارگاههای صنعتی به کل استان | ۰ | ۰ | ۰ | ۱۳/۴۵ | ۰ | ۵۱/۲۶ | ۲۱/۸۵ | ۰/۸۴ | ۲/۵۰ | ۱۰ | ۹/۹۹ | ۱۶/۳۱ | ۴/۰۸ |
| ۴ | تعداد مشترکین آب به کل استان | ۳/۱۵ | ۰/۹۸ | ۱/۳۴ | ۸/۸۹ | ۱/۲۵ | ۴۵/۶۷ | ۱۵/۰۴ | ۵/۲۰ | ۳/۰۶ | ۱۲/۵۵ | ۹/۷۱ | ۱۳/۵۶ | ۳/۳۹ |
| ۵ | تعداد مشترکین برق به کل استان | ۶/۸۲ | ۲/۳۹ | ۰ | ۱۱/۴۶ | ۰ | ۳۰/۳۹ | ۱۹/۵۴ | ۶/۳۱ | ۷/۹۲ | ۱۵/۱۶ | ۱۰ | ۹/۵۶ | ۲/۳۹ |
| ۶ | تعداد جمعیت فعال اقتصادی به کل شهرستان | ۸/۲۴ | ۳/۷۴ | ۷/۴۷ | ۹/۳۹ | ۲/۴۴ | ۲۹/۰۴ | ۱۳/۵۰ | ۷/۰۳ | ۸/۶۱ | ۱۰/۵۳ | ۱۰ | ۷/۳۹ | ۱/۸۵ |
| ۷ | نسبت دانش آموزان به کل جمعیت | ۹/۰۹ | ۲/۸۳ | ۵/۹۶ | ۶/۹۰ | ۲/۹۷ | ۲۵/۶۳ | ۱۰/۸۵ | ۵/۷۸ | ۹/۵۰ | ۱۰ | ۸/۹۵ | ۶/۵۰ | ۱/۶۲ |
| ۸ | شاغلان ده ساله و بیشتر به جمعیت شهرستان | ۸/۲۶ | ۴/۵۳ | ۷/۵۰ | ۵/۵۰ | ۲/۸۲ | ۳۵/۴۳ | ۱۳/۳۸ | ۵/۷۱ | ۸/۳۸ | ۸/۴۹ | ۱۰ | ۹/۳۸ | ۲/۳۵ |
| ۹ | مساحت عرصه جنگلی به کل استان | ۱۴/۸۰ | ۰ | ۴/۳۴ | ۹/۱۲ | ۰ | ۸/۵۰ | ۶/۱۰ | ۱۲ | ۳۵/۱۴ | ۱۰ | ۱۰/۰۵ | ۲/۵۱ | |
| ۱۰ | مساحت فضای سبز به کل استان | ۱/۳۲ | ۰/۵۱ | ۰/۷۱ | ۴/۶۶ | ۲/۸۴ | ۶۴/۲۴ | ۲۳/۳۰ | ۱/۲۲ | ۰/۸۱ | ۰/۴۱ | ۱۰ | ۲۰/۲۹ | ۵/۰۷ |
| ۱۱ | درصد تراکمی جمعیت شهرهای استان به کل استان | ۷/۸۴ | ۲/۹۵ | ۶/۸۵ | ۱۰/۲۳ | ۲/۹۷ | ۲۸/۳۳ | ۱۳/۶۹ | ۶/۹۸ | ۹/۰۱ | ۱۱/۱۶ | ۱۰ | ۷/۲۶ | ۱/۸۲ |
| ۱۲ | مهاجرین وارد شده نسبت به کل استان | ۴/۰۱ | ۳/۸۳ | ۴/۹۱ | ۷/۲۳ | ۲/۳۶ | ۳۴/۹۳ | ۱۳/۸۳ | ۷/۶۴ | ۹/۶۹ | ۱۱/۵۷ | ۱۰ | ۹/۴۹ | ۲/۳۷ |
| ۱۳ | نسبت متولدین به کل استان | ۸/۹۷ | ۳/۲۴ | ۶/۹۱ | ۷/۹۲ | ۲/۸۴ | ۲۳/۵۷ | ۱۱/۷۱ | ۶/۵۶ | ۱۰/۳۴ | ۱۲/۱۹ | ۹/۴۲ | ۵/۸۹ | ۱/۴۷ |
| ۱۴ | تعداد کتابخانه عمومی به کل استان | ۱۲/۵۰ | ۲/۰۸ | ۶/۲۵ | ۱۰/۴۲ | ۲/۰۸ | ۱۴/۵۸ | ۱۴/۵۸ | ۱۰/۴۲ | ۸/۳۳ | ۱۰/۴۲ | ۹/۱۷ | ۴/۵۲ | ۱/۱۳ |
| ۱۵ | کتاب موجود در کتابخانه عمومی به کل استان | ۵/۸۹ | ۱/۶۰ | ۲/۷۰ | ۹/۳۵ | ۱/۸۵ | ۳۴/۸۷ | ۱۴/۱۵ | ۶/۹۸ | ۸/۹۸ | ۱۱/۱۷ | ۹/۷۵ | ۹/۷۴ | ۲/۴۴ |
| ۱۶ | تعداد عضو کتابخانه عمومی به کل استان | ۶/۷۹ | ۱/۸۶ | ۱/۰۶ | ۵/۶۷ | ۰/۴۸ | ۳۳/۷۷ | ۱۸/۲۲ | ۳/۵۱ | ۱۵/۲۳ | ۱۱/۱۹ | ۹/۷۸ | ۱۰/۳۸ | ۲/۵۹ |

۱۳۴ / فصل نامه جغرافیایی چشم انداز زاگرس، سال دوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۸۹

| | | | | | | | | | | | | | | |
|------|-------|------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|---|----|
| ۱/۹۲ | ۷/۶۷ | ۹/۸۰ | ۱۱/۷۶ | ۱۰/۴۹ | ۷/۴۲ | ۱۰/۴۹ | ۲۸/۹۰ | ۰ | ۱۱ | ۵/۳۷ | ۳/۸۴ | ۸/۷۰ | پزشک عمومی | ۱۷ |
| ۳/۵۹ | ۱۴/۳۵ | ۱۰ | ۱۱/۳۹ | ۱۰/۵۵ | ۴/۲۲ | ۱۶/۴۶ | ۴۷/۶۸ | ۰ | ۶/۳۳ | ۰ | ۰ | ۳/۳۸ | پزشک متخصص | ۱۸ |
| ۲/۸۲ | ۱۱/۲۶ | ۱۰ | ۱۰/۷۷ | ۹/۶۷ | ۵/۶۶ | ۱۵/۱۹ | ۳۹/۳۶ | ۰ | ۸/۵۶ | ۲/۹۰ | ۲/۰۷ | ۵/۸۰ | تعداد پزشک به کل استان | ۱۹ |
| ۲/۰۳ | ۸/۱۲ | ۱۰ | ۱۰/۴۱ | ۸/۵۵ | ۸/۵۵ | ۱۴/۱۳ | ۳۰/۸۶ | ۳/۳۵ | ۱۰/۰۴ | ۵/۵۸ | ۲/۲۳ | ۶/۳۲ | تعداد مراکز بهداشتی به کل استان | ۲۰ |
| ۲/۵۳ | ۱۰/۱۱ | ۱۰ | ۱۲/۰۸ | ۷/۲۱ | ۷/۲۸ | ۱۶/۸۳ | ۳۵/۶۲ | ۱/۸۹ | ۷/۷۷ | ۴/۲۷ | ۱/۲۸ | ۵/۷۶ | بهداشت ومددکاری اجتماعی | ۲۱ |
| ۳/۶۲ | ۱۴/۴۹ | ۱۰ | ۳/۷۱ | ۱۷/۶۵ | ۳/۴۴ | ۴/۳۴ | ۴۳/۹۰ | ۱/۹۵ | ۲۴/۵۴ | ۰/۱۶ | ۰/۱۹ | ۰/۱۱ | تعداد فرصت‌های شغلی | ۲۲ |
| ۳/۸۰ | ۱۵/۲۱ | ۱۰ | ۶/۵۰ | ۱۶/۲۷ | ۵/۸۸ | ۵/۹۸ | ۵۰/۷۱ | ۳/۰۸ | ۱۱/۰۵ | ۰/۱۴ | ۰/۱۹ | ۰/۱۹ | افراد به کارگمارده شده برحسب وضع سواد | ۲۳ |
| ۲/۷۸ | ۱۱/۱۱ | ۱۰ | ۵/۸۰ | ۱۶/۰۷ | ۲۰/۰۹ | ۳۲/۵۹ | ۱۶/۵۲ | ۰ | ۸/۹۳ | ۰ | ۰ | ۰ | مشخصات عمومی شرکت‌های تعاونی کشاورزی فعال | ۲۴ |
| ۱/۳۷ | ۵/۴۹ | ۱۰ | ۱۱/۲۴ | ۱۳/۶۷ | ۱۳/۳۲ | ۱۵/۱۲ | ۱۲/۷۲ | ۰ | ۱۱/۸۹ | ۹/۳۱ | ۰ | ۱۲/۷۲ | تعداد روستاها و خانوارهای روستایی دارای برق | ۲۵ |
| ۲/۶۸ | ۱۰/۷۱ | ۱۰ | ۹/۵۲ | ۳۱/۷۵ | ۱۱/۱۱ | ۲۲/۲۲ | ۱۵/۸۷ | ۰ | ۷/۹۴ | ۰ | ۰ | ۱/۵۹ | شرکتهای تعاونی فعال تامین نیاز تولیدکنندگان | ۲۶ |
| ۱/۱۷ | ۴/۶۸ | ۹/۱۳ | ۳/۲۰ | ۱۱/۲۴ | ۱۳/۴۳ | ۱۵/۵۱ | ۱۳/۶۴ | ۳/۲۴ | ۱۱/۲۰ | ۵/۱۸ | ۴/۴۳ | ۱۰/۱۹ | طول انواع راه‌های روستایی آسفالته | ۲۷ |
| ۲/۹۸ | ۱۱/۹۱ | ۹/۶۶ | ۹/۹۷ | ۷/۳۵ | ۴/۲۰ | ۱۵/۷۵ | ۴۱/۴۷ | ۲/۶۲ | ۵/۲۵ | ۲/۸۹ | ۲/۳۶ | ۴/۷۲ | واحدهای بانکی دولتی | ۲۸ |
| ۴/۴۵ | ۱۷/۷۹ | ۲۰ | ۳/۲۳ | ۶/۴۵ | ۳/۲۳ | ۱۲/۹۰ | ۴۵/۱۶ | ۱۲/۹۰ | ۴۵/۱۶ | ۱۲/۹۰ | ۴۵/۱۶ | ۱۲/۹۰ | تعداد مجتمع ارائه دهنده خدمات اجتماعی شهری سازمان بهزیستی | ۲۹ |
| ۲/۰۷ | ۸/۲۹ | ۱۰ | ۶/۶۸ | ۶/۹۲ | ۳/۸۷ | ۸/۱۴ | ۳۰/۶۶ | ۱/۸۸ | ۴/۴۹ | ۱۳/۲۵ | ۹/۳۸ | ۱۴/۷۱ | برآورد شاغلان صنعت | ۳۰ |
| ۱/۳۱ | ۵/۲۴ | ۱۰ | ۱۴/۵۵ | ۸/۴۵ | ۹/۲۰ | ۸/۹۹ | ۱۵/۷۹ | ۳/۹۷ | ۴/۲۴ | ۱۳/۵۵ | ۳/۳۵ | ۱۷/۹۱ | برآورد شاغلان کشاورزی | ۳۱ |
| ۲/۸۲ | ۱۱/۲۹ | ۱۰ | ۱۵/۳۰ | ۸/۴۵ | ۱۵/۳۹ | ۳۷/۶۰ | ۱۲/۱۸ | ۰ | ۳/۳۹ | ۴/۳۸ | ۰ | ۳/۳۱ | مساحت اراضی کشاورزی | ۳۲ |
| ۱/۴۰ | ۵/۶۰ | ۹/۶۳ | ۱۱/۳۹ | ۷/۳۳ | ۹/۵۶ | ۶/۶۷ | ۲۱/۸۹ | ۲/۸۲ | ۱۴/۲۶ | ۵/۷۹ | ۴/۵۲ | ۱۲/۰۶ | راه‌های زیر پوشش اداره کل راه | ۳۳ |
| ۳/۸۱ | ۱۵/۲۳ | ۱۰ | ۴/۸۸ | ۱۲/۲۰ | ۲/۴۴ | ۳۴/۱۵ | ۴۱/۴۶ | ۰ | ۴/۸۸ | ۰ | ۰ | ۰ | شرکتهای تعاونی حمل و نقل فعال | ۳۴ |

توضیح: اطلاعات مربوط به شهرستانهای تازه تأسیس در دسترس نبوده و آمار دلگان با ایرانشهر، زابلی و سیب و سوران با سراوان و هیرمند با زابل داده شده است.

پس از آنکه انحراف معیار با استفاده از فرمول زیر محاسبه شد (همانگونه که در جدول شماره ۱ مشخص می‌باشد)، ۱/۴ انحراف معیار را یک بار با میانگین جمع و یک بار تفریق نموده و جدول شماره (۲) تنظیم گردیده است.

$$s = \sqrt{\frac{\sum (xi - x^-)^2}{n}}$$

جدول شماره ۲: فاصله طبقاتی عوامل یا متغیرها برای تشخیص شهرستان‌های نیازمند توسعه

| شماره | شاخص | مثبت + | خنثی ۰ | منفی - |
|-------|--|--------|---------------|--------|
| ۱ | درصد باسوادی | ۶۶/۸۷ | ۶۳/۹۴ - ۶۶/۸۷ | ۶۳/۹۴ |
| ۲ | درصد شاغلین صنعت به کل جمعیت شهرستان | ۱۳/۵۹ | ۶/۴۱ - ۱۳/۵۹ | ۶/۴۱ |
| ۳ | تعداد کارگاههای صنعتی به کل استان | ۱۴/۰۷ | ۵/۹۱ - ۱۴/۰۷ | ۵/۹۱ |
| ۴ | تعداد مشترکین آب به کل استان | ۱۳/۱۰ | ۶/۳۲ - ۱۳/۱۰ | ۶/۳۲ |
| ۵ | تعداد مشترکین برق به کل استان | ۱۲/۳۹ | ۷/۶۱ - ۱۲/۳۹ | ۷/۶۱ |
| ۶ | تعداد جمعیت فعال اقتصادی به کل شهرستان | ۱۱/۸۵ | ۸/۱۵ - ۱۱/۸۵ | ۸/۱۵ |
| ۷ | نسبت دانش آموزان به کل جمعیت | ۱۰/۵۸ | ۷/۳۳ - ۱۰/۵۸ | ۷/۳۳ |
| ۸ | شاغلان ده ساله و بیشتر به جمعیت شهرستان | ۱۲/۳۵ | ۷/۶۵ - ۱۲/۳۵ | ۷/۶۵ |
| ۹ | مساحت عرصه جنگلی به کل استان | ۱۲/۵۱ | ۷/۴۹ - ۱۲/۵۱ | ۷/۴۹ |
| ۱۰ | مساحت فضای سبز به کل استان | ۱۵/۰۷ | ۴/۹۳ - ۱۵/۰۷ | ۴/۹۳ |
| ۱۱ | درصد تراکمی جمعیت شهرهای استان به کل استان | ۱۱/۸۲ | ۸/۱۸ - ۱۱/۸۲ | ۸/۱۸ |
| ۱۲ | مهاجرین وارد شده نسبت به کل استان | ۱۲/۳۷ | ۷/۶۳ - ۱۲/۳۷ | ۷/۶۳ |
| ۱۳ | نسبت متولدین به کل استان | ۱۰/۹۰ | ۷/۹۵ - ۱۰/۹۰ | ۷/۹۵ |
| ۱۴ | تعداد کتابخانه عمومی به کل استان | ۱۰/۳۰ | ۸/۰۴ - ۱۰/۳۰ | ۸/۰۴ |
| ۱۵ | کتاب موجود در کتابخانه عمومی به کل استان | ۱۲/۱۹ | ۷/۳۲ - ۱۲/۱۹ | ۷/۳۲ |
| ۱۶ | تعداد عضو کتابخانه عمومی به کل استان | ۱۲/۳۷ | ۷/۱۸ - ۱۲/۳۷ | ۷/۱۸ |
| ۱۷ | پزشک عمومی | ۱۱/۷۱ | ۷/۸۸ - ۱۱/۷۱ | ۷/۸۸ |
| ۱۸ | پزشک متخصص | ۱۳/۵۹ | ۶/۴۱ - ۱۳/۵۹ | ۶/۴۱ |
| ۱۹ | تعداد پزشک به کل استان | ۱۲/۸۲ | ۷/۱۸ - ۱۲/۸۲ | ۷/۱۸ |
| ۲۰ | تعداد مراکز بهداشتی به کل استان | ۱۲/۰۳ | ۷/۹۷ - ۱۲/۰۳ | ۷/۹۷ |
| ۲۱ | بهداشت و مددکاری اجتماعی | ۱۲/۵۳ | ۷/۴۷ - ۱۲/۵۳ | ۷/۴۷ |
| ۲۲ | تعداد فرصت های شغلی | ۱۳/۶۲ | ۶/۳۸ - ۱۳/۶۲ | ۶/۳۸ |
| ۲۳ | افراد به کارگمارده شده برحسب وضع سواد | ۱۳/۸۰ | ۶/۲۰ - ۱۳/۸۰ | ۶/۲۰ |
| ۲۴ | مشخصات عمومی شرکت های تعاونی کشاورزی فعال | ۱۲/۷۸ | ۷/۲۲ - ۱۲/۷۸ | ۷/۲۲ |

| | | | | |
|-------|---------------|-------|---|----|
| ۸/۶۳ | ۸/۶۳ - ۱۱/۳۷ | ۱۱/۳۷ | تعداد روستاها و خانوارهای روستایی دارای برق | ۲۵ |
| ۷/۳۲ | ۷/۳۲ - ۱۲/۶۸ | ۱۲/۶۸ | شرکتهای تعاونی فعال تأمین نیاز تولیدکنندگان | ۲۶ |
| ۷/۹۶ | ۷/۹۶ - ۱۰/۳۰ | ۱۰/۳۰ | طول انواع راه های روستایی آسفالته | ۲۷ |
| ۶/۶۸ | ۶/۶۸ - ۱۲/۶۴ | ۱۲/۶۴ | واحدهای بانکی دولتی | ۲۸ |
| ۱۵/۵۵ | ۱۵/۵۵ - ۲۴/۴۵ | ۲۴/۴۵ | تعداد مجتمع ارائه دهنده خدمات اجتماعی شهری سازمان بهزیستی | ۲۹ |
| ۷/۹۳ | ۷/۹۳ - ۱۲/۰۷ | ۱۲/۰۷ | برآورد شاغلان صنعت | ۳۰ |
| ۸/۶۹ | ۸/۶۹ - ۱۱/۳۱ | ۱۱/۳۱ | برآورد شاغلان کشاورزی | ۳۱ |
| ۷/۱۸ | ۷/۱۸ - ۱۲/۸۲ | ۱۲/۸۲ | مساحت اراضی کشاورزی | ۳۲ |
| ۸/۲۳ | ۸/۲۳ - ۱۱/۰۳ | ۱۱/۰۳ | راههای زیر پوشش اداره کل راه | ۳۳ |
| ۶/۱۹ | ۶/۱۹ - ۱۳/۸۱ | ۱۳/۸۱ | شرکتهای تعاونی حمل و نقل فعال | ۳۴ |

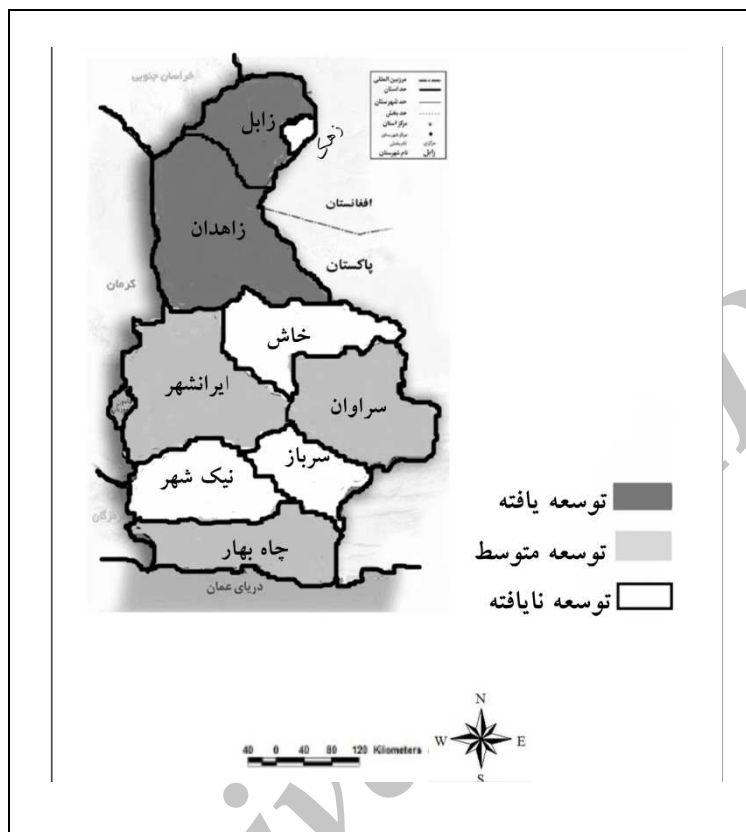
منبع: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری سیستان و بلوچستان، سال ۱۳۸۸ www.amar.org.ir

سپس با استفاده از جدول شماره (۲) و طبقه بندی آن، شهرستانها را نسبت به نیازمندی به توسعه مرتب نموده و تنظیم جدول شماره (۳) به طور شماتیک رسم گردیده است. با توجه به تشخیص داده شده بعضی از متغیرها حذف شده و یا ردیف متغیرها تغییر یافته اند به طوری که مناطق نسبت به نیاز به توسعه پشت سر هم به طور منطقی قرار گیرند. براساس مدل اسکالوگرام، اگر تعدادی از متغیرها در تضاد با دیگر متغیرها باشند امکان حذف آنها برابر فرمول زیر وجود دارد، در این فرمول $\sum(x)$ متغیرهای حذف شده و $\sum x$ تعداد کل متغیرها می باشند.

$$kr = 1 - \frac{\sum(x)}{\sum x}$$

$$kr = 1 - (60 / 340) = 0.82$$

با توجه به اینکه میزان kr به یک نزدیک می باشد، حذف بعضی از متغیرها مناسب بوده است و بیانگر متغیرهای مرتب شده می باشند که به صورت ماتریس رسم شده اند.

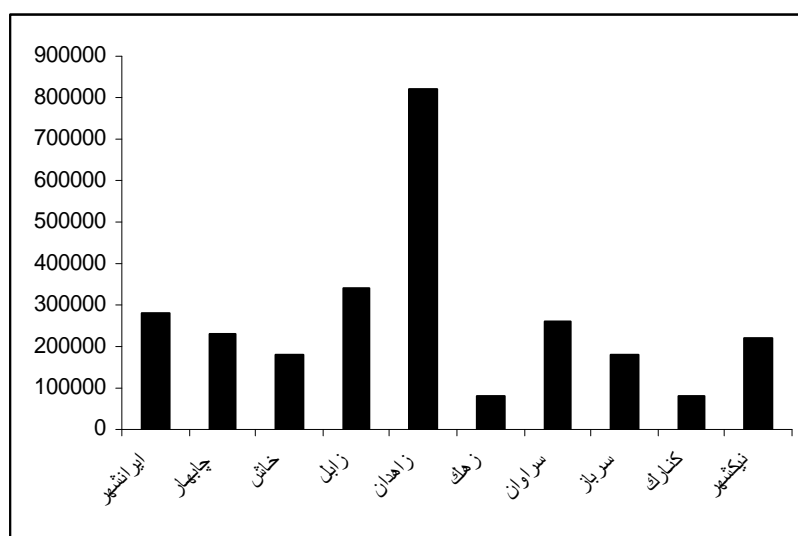


نقشه شماره ۲: وضعیت توسعه در شهرستان‌های مختلف استان

سیستان و بلوچستان سال ۱۳۸۸

مطالعات و نظرات کارشناسان برنامه‌ریزی منطقه‌ای و شهری نشان می‌دهد در حالی که شهرهای زاهدان و زابل و تا حدودی شهرستان‌های مجاور آن توسعه یافته‌اند و به سطوحی از تمرکز نیز رسیده‌اند، شهرستان‌های دیگر همچنان به صورت مناطق راکد در مقیاس منطقه‌ای بر جای مانده‌اند و مشکلات اساسی را در رسیدن به نوعی تعادل منطقه‌ای در سطح ملی نشان می‌دهند و به نوعی طرح‌ریزی کالبدی سرزمین را در مقیاس منطقه‌ای تاکید می‌کنند. گسیختگی کالبدی در سطح منطقه از یک طرف ناشی از توزیع نامساوی مواهب طبیعی و از طرف دیگر سیاست‌گذاری‌ها و استراتژی توسعه از بالا یا سیاست رشد قطبی^۱ می‌باشد، که باعث توزیع فضایی ناهمگون جمعیت و فعالیت گردیده‌است، که نتیجه آن ایجاد فضاهای خالی و پرتراکم در کنار همدیگر می‌باشد (مومنی، ۱۳۸۸).

۱- Growth Pole

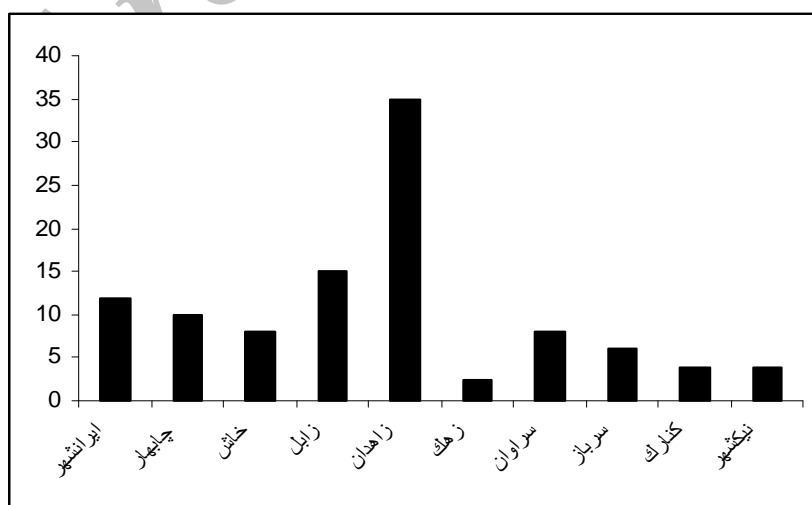


نمودار شماره ۱: توزیع فضایی ناهمگون جمعیت در استان سیستان و بلوچستان ۱۳۸۸

منبع: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان ۱۳۸۸

بررسی تحولات جمعیتی و مهاجرت در مطالعات جغرافیایی از آن جهت اهمیت دارد که پیامدهای متعدد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در مبادی و مقاصد این مهاجرت‌ها به دنبال دارد که در نهایت پیامدهای فضایی آن به صورت استقرار و تراکم جمعیت در سکونتگاه‌های شهری و روستایی ظاهر می‌شود.

پدیده تمرکز نه تنها تراکم جمعیتی، بلکه تمرکز اجتماعی، اقتصادی و اداری شدیدی در شهر زاهدان را به دنبال داشته‌است. تمرکز مبادلات تجاری و بازرگانی در شهر زاهدان باعث تحریک و تقویت مهاجرت روستائی به شهر زاهدان و نواحی نزدیک آن گردیده‌است. چنانچه از مجموع ۲۶۴۶۸۶ نفر مهاجر وارد شده به استان، مقصد ۳۴/۹۳ درصد آنها شهرستان زاهدان بوده‌است.



نمودار شماره ۲: توزیع فضایی ناهمگون مهاجرین وارد شده در استان سیستان و بلوچستان ۱۳۸۸

منبع: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان ۱۳۸۸

بیشتر مهاجرین با استقرار در حاشیه‌های نامرغه و یا سکونت در محلات قدیمی رها شده باعث به وجود آمدن پدیده حاشیه‌نشینی و یا پدیده خرابه‌نشینی و توسعه فرسودگی محیط کالبدی شهر می‌شوند. اکثر افرادی که در این محلات حاشیه‌ای زندگی می‌کنند یا بیکار و یا مشغول به کارهای غیردائمی می‌باشند (امجد، ۱۳۸۱).

از طرفی افزایش جمعیت، همراه با تمرکز بی‌رویه صنایع و وسایل نقلیه، مسائل زیست‌محیطی متعددی را بر شهرها و جوامع انسانی تحمیل نموده‌است. بنابراین لازم است مدیریت خردمندانه فضا به معنای بهینه‌سازی الگوی توزیع فعالیت‌های انسان با تدوین سیاست اسکان جمعیت در پهنه استان و ایجاد سلسله مراتب میان آنها از نظر تسهیل امر مدیریت و خدمت‌رسانی به مردم در دستور کار برنامه ریزان قرار گیرد. برای تحقق چنین امر مهمی استفاده از مدل برنامه‌ریزی فضایی می‌تواند از بروز عدم تعادل و بازتاب‌های تخریبی و منفی در فضای استان جلوگیری کند.

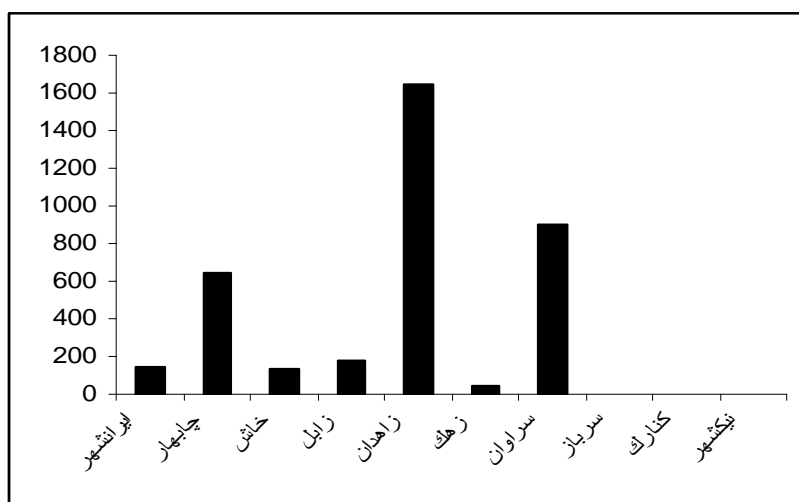
با اجرای برنامه جامع منطقه‌ای که کلیه دیدگاه‌های اقتصادی، اجتماعی، فضایی و آمایشی را شامل می‌گردد (زیاری، ۱۳۸۶)، هماهنگی بین پروژه‌ها و طرح‌ها تضمین و رشد متعادل اقتصادی، اجتماعی ناحیه، تامین خواهد شد (معصومی اشکوری، ۱۳۷۱).

لازمه چنین برنامه‌ریزی‌ها پذیرش مردم محلی و مشارکت آنها در اینگونه برنامه‌ها می‌باشد. استفاده از توان‌های مطالعاتی جغرافیای کاربردی، که مطالعه نابرابری و عدم تعادل بین نواحی جغرافیایی و مطالعه توان طبیعی منابع موجود در ناحیه، به منظور بهره‌برداری از آنها می‌تواند راهگشا باشد (شکوئی، ۱۳۶۴).

نتیجه گیری

از آنجا که یکی از اهداف برنامه های توسعه و عمران منطقه ای رفع محرومیت از مناطق کمتر توسعه یافته و یا به عبارت روشن تر محروم کشور می باشد، این مهم از نگرانی های اساسی دولت بوده و در این زمینه گام های مهمی نیز برداشته شده است. اما با همه تلاش هایی که تا کنون صورت گرفته، هم اکنون گستره ای از کشور که حوزه جغرافیایی با اهمیتی چون مناطق و نواحی مرزی و زیست بوم های ارزشمند طبیعی در زمره آنهاست، به دلایلی از قبیل انزوای جغرافیایی، ناهماهنگی ها، سوءمدیریت ها و تصمیم سازی غیر علمی و سلیقه ای و ناامنی های منطقه ای محدودکننده امنیت سرمایه گذاری، از چرخه توسعه بازمانده اند. به رغم وجود قابلیت های فراوان مناطق مختلف کشور، شاخص های توسعه در آنها در سطوحی مطلوب قرار ندارد و ارتقای این شاخص ها تا سطح شاخص های میانگین ملی، اقدامات و سرمایه گذاری های فراوانی رانیز دارد.

در ایران، تحولات و تغییرات جمعیتی، از رشد شتابان و بدون برنامه ای در سه دهه ۱۳۵۵-۱۳۸۵ برخوردار بوده است. ناهماهنگی توسعه مناطق و نابرابری های ناحیه ای موجود در اثر مکانیسم های حاکم بر ساختار اقتصادی-اجتماعی و سیاسی کشور، منجر به شهرنشینی شتابان و ناهماهنگی توسعه شهرهای بزرگ و کوچک، شده است. نمود بارز آن، استان سیستان و بلوچستان و شهرستان های مختلف آن می باشد. عدم توازن و تعادل بین شهرستان های استان سیستان و بلوچستان در زمینه های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سبب برهم خوردن نظم فضایی سکونتگاه ها و رشد شتابان و بی رویه شهر زاهدان و انزوا و حاشیه ای شدن بسیاری از شهر ها و شهرستان های استان گردیده است که نتیجه این وضع فرآیند آن نامتعادل شدن ساختار فضایی استان سیستان و بلوچستان بوده است. شیوه برنامه ریزی متمرکز، اثرات زیانبار خود را به صورت مختلف، در استان سیستان و بلوچستان، نمایان ساخته است. به طوری که شهر زاهدان، خارج از ترتیب منظم شهری استان، به عنوان شهر برتر و نخست شهر، برتری خود را در زمینه های مختلف حفظ کرده است. تمرکز اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اداری و خدماتی، در زاهدان، فرصت های شغلی متعددی، فراهم کرده و همزمان با آن موجب رکود نسبی فعالیت ها در شهرهای دیگر استان شده است. چنانچه از مجموع ۳۶۸۸ فرصت شغلی در استان سیستان و بلوچستان، بیش از ۴۳/۹ درصد آن، متعلق به شهرستان زاهدان بوده است.



نمودار شماره ۳: توزیع فضایی ناهمگون فرصت‌های شغلی در استان سیستان و بلوچستان ۱۳۸۸

منبع: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان ۱۳۸۸

روند رو به رشد میزان مهاجرت‌ها باعث به وجود آمدن مشکلات عدیده در مرکز استان به دلیل عدم تطبیق مهاجرین با شرایط اقتصادی، اجتماعی در مرکز و وجود آمدن مشاغل کاذب و مشکلات اکولوژیکی شهری، حاشیه نشینی و دیگر مشکلات شهری گردیده است. گستردگی بی رویه اداری و سیاسی و تمرکز سیستم بوروکراسی در مرکز استان، موجبات کاهش کارائی و پویایی و بالندگی نیروهای انسانی را به دنبال داشته است که در نهایت باعث عدم کارائی نظام مدیریتی و اجرائی گردیده است. بنابراین فرضیه این تحقیق که شیوه برنامه ریزی قطبی و نوع سیاستگذاری‌ها باعث نابرابری و عدم تعادل فضایی استان سیستان و بلوچستان گردیده است به اثبات می‌رسد. برای جلوگیری و کنترل وضعیت موجود و کاهش تفاوت‌ها و عدم تعادل ناحیه‌ای و ناهمگونی بین شهرستان‌های استان، لزوم انجام مطالعات برنامه ریزی فضایی و آمایش به منظور برنامه ریزی پایدار برای شکل پذیری فضاها و مناسب و همگون در پهنه استان به مثابه ابزاری برای اصلاح و آرایش فضائی باید مورد توجه کارشناسان قرار گیرد. تحقق چنین امری نیاز به دو استراتژی و هدف عمده می‌باشد.

شناخت نابرابری‌های اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی نواحی مختلف استان.

- ایجاد توازن و هماهنگی در عموم ساختارها و سامانه‌های شهری.

دسترسی به اهداف فوق از طریق پذیرش اصل توسعه از پایین ۱ و بهره‌گیری از برنامه ریزی فضایی، امکان‌پذیر خواهد بود. برنامه ریزی فضایی ۲ می‌تواند به حل مسائل مربوط به نیازهای اساسی اکثریت مردم جامعه و ایجاد شرایط زندگی بهتر و مناسب‌تر کمک نماید و عدالت اجتماعی را که امروزه از مهمترین اهداف هر برنامه ریزی محسوب شود، در بعد فضائی گسترش دهد.

منابع

- ۱- اسمیت، دیوید دراکالیس ۱۳۷۷، شهر جهان سومی، ترجمه فیروز جمالی، مجموعه مقالات معماری و شهرسازی، نشر توسعه، تهران.
- ۲- افراخته، حسن، ۱۳۸۳، ارزیابی نقش شهرها در توسعه ناحیه ای (مطالعه موردی: استان سیستان و بلوچستان) نشریه پژوهشهای جغرافیایی شماره ۳۶.
- ۳- امجد، مرجان، ۱۳۸۱، بررسی حاشیه‌نشینی و بهسازی محله مفت آباد اصفهان، ماهنامه دانش‌نما، نظام مهندسی استان اصفهان، سال یازدهم، شماره های ۹۴-۹۲.
- ۴- تودارو، مایکل، ۱۳۷۸، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، سازمان برنامه و بودجه.
- ۵- حبیبی، سید محسن، ۱۳۷۵، از شار تا شهر، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶- خدادادکاشی، فرهاد، ۱۳۷۷، اندازه‌گیری فقر در ایران بر حسب خصوصیات اجتماعی و اقتصادی خانوارها، کاربرد شاخص سن در ایران، فصلنامه‌ی پژوهشهای بازرگانی، شماره ۸.
- ۷- رخشانی نسب، حمیدرضا و حسن بیک محمدی، ۱۳۸۷، عدم تعادل و نابرابری در نظام سلسله مراتب شهری استان سیستان و بلوچستان، نشریه رفاه اجتماعی.
- ۸- زبردست، اسفندیار، ۱۳۸۶، بررسی تحولات نخست شهری در ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۹، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- ۹- زیاری، کرامت اله، ۱۳۸۲، برنامه ریزی کاربری اراضی شهری، چاپ اول، دانشگاه یزد.
- ۱۰- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۸۸، سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان.
- ۱۱- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۸۵، سالنامه آماری کل کشور، معاونت آمار و اطلاعات.
- ۱۲- سرور، رحیم، ۱۳۸۴، جغرافیای کاربردی و آمایش سرزمین، انتشارات سمت.
- ۱۳- سینجر، پل، ترجمه مهدی کاظمی و فرخ حسامیان، ۱۳۵۸، اقتصاد سیاسی شهرنشینی، نشر ایران، تهران.
- ۱۴- شکوئی، حسین، ۱۳۶۴، جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی، انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۱۵- شکوئی، حسین، ۱۳۶۵، جغرافیدانان ایران و مسائل مهم جامعه ما (سمینار بین المللی جغرافیای جمهوری اسلامی ایران)، انتشارات آستان قدس.
- ۱۶- فرید، یدالله، ۱۳۷۵، جغرافیا و شهرنشینی، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۷- کاظمی، مهدی و غلام‌رضا زمانیان، ۱۳۸۴، تحلیلی از وضعیت توزیع درآمد در مناطق شهری استان سیستان و بلوچستان - نشریه جغرافیا و توسعه.
- ۱۸- کریم کشته، محمدحسین و غلام‌رضا زمانیان، ۱۳۸۳، بررسی شاخص‌های توسعه انسانی در استان سیستان و بلوچستان (۱۳۷۹-۱۳۶۸)، نشریه جغرافیا و توسعه.

- ۱۹- کلاتنری، خلیل، ۱۳۸۸، برنامه ریزی و توسعه منطقه‌ای (تئوری‌ها و تکنیک‌ها)، انتشارات خوشبین.
- ۲۰- معصومی اشکوری، سید حسن، ۱۳۷۱، اصول و مبانی برنامه ریزی منطقه ای، انتشارات سازمان برنامه و بودجه استان گیلان.
- ۲۱- مومنی، مهدی، ۱۳۷۷، اصول و روش‌های برنامه ریزی ناحیه‌ای، انتشارات گویا.
- ۲۲- مومنی، مهدی، ۱۳۸۸، تحلیلی از نابرابری و عدم تعادل فضائی در استان اصفهان، نشریه علمی- تخصصی «جغرافیا و مطالعات محیطی».

23- Clark, David, 2000, Urban World Global City, Routledge, and London New York.

24- Pumain, Denise, 2003, Scaling laws and urban systems.

25- United Nations Department of Economic and Social Affairs, Population Division, 2004, World Bank.

Archive of SID